

# ملی کردن دین

## به یاد مهندس مهدی بازرگان

نحوی یا در هسته کودتا بودند و یا کودتا را تأیید کردند و یا آگاهانه به آن رضایت داد.

مهندس از طریق کتاب راه طی شده و سخنرانی‌های خود، آیات قرآن یعنی سرچشمه‌های زلال دین را در اختیار مردم گذاشت.

مرحوم آیت‌الله بهشتی در سال ۱۳۴۲ گفتند مهندس بازرگان به اندازه یک مرکز دایره‌المعارف کار کرد به طوری که کتاب راه طی شده او تنها کتابی است که در زمینه اصول دین با استناد به آیات قرآن و به زبانی ساده و

قابل فهم نوشته شده است. او جوانان مذهبی را مستقیماً به سرچشمه دین وصل نمود و شاید این بزرگ‌ترین کار مهندس بود، آن هم در روزگاری که دین از طریق واسطه‌ها و فهم آن واسطه‌ها به دست مردم می‌رسید.

درحالی‌که در آموزش‌های رایج دینی از "اصول فقه" سخن رانده می‌شد، مهندس بازرگان درخت نوآندیشی دینی را با "اصول دین" یعنی توحید، نبوت و معاد آبیاری نمود. در آموزش‌های جاری، قرآن درس رسمی نبود و قرآن‌مداری باب نبود مهندس در بین جوانان، خواندن متن قرآن را باب کرد و قرآن‌مداری را ترویج نمود. مرحوم طالقانی درحالی‌که در محافل جوان‌ها از قرآن توشه‌گیری می‌کرد که قرآن‌خوانی را شیوه وهابی‌ها می‌دانستند و چه مقاومت‌ها که وی در برابر این اتهامات و برجسب‌ها نمود. دکتر یدالله سجایی در شرایطی دانش تکامل را بومی و مردمی نمود و حلقه‌های مفقوده آن را با قرآن پیوند داد که اسم بردن از تکامل، مرادف با بی‌دینی بود. آری در فضای پس از کودتا، آن هم در محافل دانشگاهی که نام بردن از دین از سویی با خودکم‌بینی و از سویی دیگر با مسخره کردن همراه بود، این بزرگوار، سه عنصر دین، علم و سیاست را به هم آمیخته و در برابر کودتای ظالمانه ۲۸ مرداد مقاومت کردند و با استمرار و پیگیری خود، انجمن‌های اسلامی دانشجویان را یاری دادند. حنیف نژاد این شاگرد خلف آیت‌الله طالقانی، مهندس بازرگان و دکتر سجایی، انجمن‌های اسلامی را در سرتاسر ایران گسترش داد و متن خوانی را رایج کرد؛ به طوری که هر دانشجوی عضو انجمن یک قرآن کوچک در جیب داشت و در هر فرصتی آن را مطالعه می‌کرد. هرچند وی نیز آماج تهمت‌ها و انگ‌ها و

نهضت ملی ایران، در راستای احیای قانون اساسی انقلاب مشروطیت و در پرتو قانون ملی شدن نفت (۲۹ اسفند ۱۳۲۹) با مشارکت بی‌نظیر مردمی، صنعت نفت خود را در سرتاسر ایران ملی نمود. ملی کردن نفت یعنی رهاشدن از انحصارات نفتی، ملی شدن یعنی مردمی شدن و دادن صنعت نفت به دست توانای متخصصان ایرانی. شرکت نفت انگلیس - یکی از هفت خواهر انحصارگر نفت - از ملی شدن نفت ایران به وحشت افتاد. از دست دادن درآمد سرشار و نامتناسب با زحمت و کار، این شرکت و

به دنبال آن دولت انگلستان را دیوانه کرد و به راست و وحشی تبدیل نمود. اسناد نشان می‌دهد که دولت انگلیس به کمتر از سرنگونی مصدق راضی نبود. دولت انگلیس از دیگر انحصارگران نفتی و دولت آمریکا کمک گرفت و به مثلث "نفت - اسلحه - سرکوب" جان تازه‌ای داد که از طریق کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مصدق را سرنگون کردند. انگلیس و آمریکا با تقویت جنگ سرد، وسوسه در نیروهای مذهبی و استفاده از انحصارات مذهبی و علمای درباری ارزان‌ترین کودتا را شکل دادند. مردم ایران این کودتای ننگین را نپذیرفتند و در برابر آن مقاومت کردند و از آنجا که انحصارات مذهبی نیز در کنار این کودتا قرار گرفت، بنابراین نام بردن از مذهب نیز در محافل آگاه و دانشگاهی با مشکلاتی جدی روبه‌رو بود. از سویی همزمان رژیم کودتا نیز خود را پشتیبان مذهب و مخالف کمونیسم نشان می‌داد.

در دوران دکتر مصدق، مرحوم مهندس بازرگان ریاست هیئت خلع ید را به عهده داشت و تجربه ملی کردن و ارزش‌های آن را با گوشت و پوست و استخوان کسب نمود. نهضت ملی و شخص دکتر مصدق، مهندس بازرگان را از یک استاد دانشگاه و یک رئیس دانشکده فنی به یک رجل سیاسی - راهبردی ارتقا داد. به نظر می‌رسد تجربه ملی کردن و مردمی کردن و رهایی از انحصارات نفتی در روح و روان بازرگان ریشه دوانید، به خصوص که این تجربه منشأ اثر گردید و موجب بیداری ملل شرق و الهام‌بخش مبارزاتی همچون عبدالکریم قاسم و عبدالناصر شد.

دومین تجربه بزرگ مهندس بازرگان، ملی کردن و یا مردمی کردن دین و به عبارتی رهایی دین از دست انحصارات مذهبی علمای درباری بود که به

برچسب‌های زیادی شد ولی آن پروژه موفق بود. در حالی که گفته می‌شد باید ۱۸ سال درس بخوانی و علوم قدیمه را بیاموزی تا بتوانی قرآن را درک کنی، حنیف‌نژاد با استناد به قرآن می‌گفت، قرآن خواندن تنها یک شرط دارد: "فاذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشیطان الرجیم" (نحل: ۹۸) هنگام خواندن قرآن باید از شر شیطان رانده شده به خدا پناه ببری، آن هم خدای آفریدگار نه لفظ خدا.

سعید محسن شاگرد دیگر این مکتب می‌گفت که مخاطب خدا در قرآن "ناس" یعنی مردم می‌باشد. بنابراین ما بایستی قرآن را به درون مردم ببریم و این مفهوم ملی کردن و به عبارتی مردمی کردن دین است.

دکتر شریعتی در درس‌های حسینیه ارشاد، سیری را از سیدجمال شروع کرد؛ دکتر ضمن برشمردن نقطه‌قوت‌های زیاد سیدجمال بر این اعتقاد بود که ایشان بیشتر وقتش را در برخورد اصلاحی با پادشاهان گذراند و از توده‌ها غافل ماند. همچنین عهده بیشتر وقتش را برای اصلاح فقها گذراند و او هم از توده‌ها غافل ماند. او نتیجه می‌گیرد که عمل صالح زمان بسیج توده‌هاست، و این امکان‌پذیر نمی‌باشد مگر با مراجعه مستقیم به خود قرآن و تدبیر در

آیات آن و نه صرفاً تفاسیر رایج. ایشان در سال ۱۳۵۱ معتقد بودند این کار بایستی از دانشجویان و طلاب آغاز شود که به نظر می‌رسد این حرکت در امتداد ملی کردن دین بود تا مردم بدانند که می‌توانند بی‌واسطه با خدا ارتباط برقرار کنند و مستقیم در آیات خدا تدبیر کنند. مرحوم طالقانی نیز بر این باور بودند که مخاطب خدا در قرآن مردم هستند و این مردماند که باید قیام کنند تا به حقوقشان دست یابند. در حالی که تحلیل کردن و پژوهش روی قیام امام حسین سیر در وادی گمراهی تلقی می‌شد، مجاهدین با کتاب "راه حسین" احمد رضایی این دانش تحلیل توده‌ای و فراگیر یا به عبارتی ملی کردند. همچنین در شرایطی که نهج البلاغه به‌عنوان یک سند فقهی به‌شمار نمی‌رفت و مورد غفلت بود، آن را احیا کرده و در دسترس جوانان و مردم ایران قرار دادند. روشن است که کتاب امام حسین (ع) و تفسیر خطبه‌های نهج البلاغه، توشه‌گیری‌هایی که از سوره‌های محمد، توبه و... می‌شد، نقش موثری در ساختن جوانان و تشکل‌های اسلامی و در نتیجه پیروزی انقلاب داشت. در شرایطی که بخش قابل توجهی از بحث‌های کلامی بر محور اثبات خدا می‌گذشت، مرحوم امام بر این باور بود که همه انسان‌ها حتی دزد سرگردنه خدا جو هستند. بنابراین نیازی به آن بحث‌های کلامی نیست. چنین به نظر می‌رسد که حضرت امام و آیات‌الله طالقانی در نحوه توشه‌گیری از قرآن معتقد بودند که همه



می‌توانند خود را مخاطب خدا در قرآن قرار دهند و به نوبه خود آن را فهم کنند. این مخاطب شدن، در انحصار یک فرد خاص و یا طبقه خاصی نیست که از طریق آنها دین در اختیار دیگران قرار بگیرد.

اگر سال ۱۳۳۸ را با سال ۱۳۵۷ مقایسه کنیم، ملاحظه می‌کنیم که در سال ۱۳۵۷ درصد بهره‌مندی مستقیم دانشجویان و جوانان از آیات قرآن و نهج البلاغه، اصولاً قابل مقایسه با سال ۱۳۳۸ نیست. کارهایی که استاد مطهری در زمینه پژوهش دینی کردند و به زبان ساده تحقیقات دینی خود را در اختیار مردم گذاشتند، نقش بسزایی در ملی کردن یا به عبارتی مردمی کردن دین داشت.

هرچند بسیاری از پژوهشگران، تاریخ‌نگاران و صاحب‌نظران داخلی و خارجی معتقدند اگر کودتای ۲۸ مرداد از جانب امریکا و انگلیس صورت نمی‌گرفت، انقلاب اسلامی نیز در سال ۱۳۵۷ به پیروزی نمی‌رسید، به نظر می‌رسد اگر در این مدت ۲۵ سال دین هم از دست انحصارات مذهبی بیرون نمی‌آمد و مردم ایران بدون واسطه با سرچشمه دین یعنی قرآن و نهج البلاغه آشنا نمی‌شدند، شاید پیروزی انقلاب میسر نمی‌شد. مردم ما به مرحله‌ای رسیده بودند که با آگاهی‌های

دینی‌شان سلطنت موروثی، رژیم کودتایی، رژیم متکی به سرنیزه وابسته و فاسد را بر نمی‌تاییدند. بدین سان حق به تدریج رشد کرد و فضا را بر باطل تنگ نمود تا آنجا که شاه در ۲۶ دی ماه ۱۳۵۷ مملکت را ترک نمود و مردم روشن ضمیر و خداجوی ما در شعار معروفشان خمینی را فریادی از دل هایشان می‌دانستند و این گونه رهبری او را به جان پذیرفتند. انقلاب در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ پیروز شد، قانون اساسی ثمره انقلاب تدوین و به رأی مردم گذاشته شد. دفع تجاوز و تضمین آزادی و استقلال در برابر جنگ تحمیلی از کارهای بزرگ انقلاب در طول این ۲۵ سال بود. در شرایطی که چنین تصور می‌شد که روحانیت یک صنف بسته است و جز اختلاف سلیقه، اختلاف معناداری وجود ندارد، ولی در این ۲۵ سال سرپل‌های زیادی توسط بنیان‌گذار نظام جمهوری اسلامی مطرح شد.

"اسلام امریکایی" در برابر "اسلام محمدی" عقل و شرع غیر حسینی در برابر "عقل و شرح حسینی" جنگ "فقر" در برابر "غنا"، حاکمیت مستضعفین در برابر مستکبرین بزرگ‌ترین انشعاب در حزب‌الله و روحانیت و پیدایش روحانیون مبارز و تأیید این انشعاب توسط حضرت امام و سرانجام احیای چشمگیر و مردمی قانون اساسی در دوم خرداد ۱۳۷۶ که منجر به ملی کردن اطلاعات و به‌طور خاص ملی کردن وزارت اطلاعات شد.

کشتای قتل‌های زنجیره‌ای، بزرگ‌ترین کار ممکن بود و حتی عظمت آن کمتر از ملی کردن نفت نبود. ۵۳ سال است که از قانون ملی شدن نفت می‌گذرد گفته شد قانون ملی شدن نفت که تصویب آن منشأ تحولات عظیمی بود، در واقع احیای قانون اساسی انقلاب مشروطیت به شمار می‌رفت و کسی منکر آن نیست که این قانون مورد تأیید علمای مذهبی در صدر انقلاب بوده است و شاید بتوان گفت که در بستر دین بود که ما به ملی شدن نفت و رهاشدن از انحصارات نفتی دست یازیدیم و وقتی با کودتای ۲۸ مرداد روبه‌رو شدیم، ملی کردن دین و به عبارتی مردمی کردن دین را آزمودیم که به پیروزی انقلاب منجر شد و آنگاه تجربه شجاعانه ملی کردن اطلاعات را پشت سر نهادیم. امروز ملت ما دست به گریبان عوارض و بحران‌های ناشی از پاکسازی وزارت اطلاعات از شبکه قتل‌های زنجیره‌ای است؛ بحران‌هایی همچون فاجعه کوی دانشگاه، ترور حجابیان، اطلاعات موازی و...

اگر ملی کردن نفت و ملی کردن دین را پشت سر نمی‌گذاشتیم، بعید بود که ملی کردن وزارت اطلاعات انجام گیرد. معمولاً هر انقلابی در بستر زمان به تدریج تعدیل می‌شود و خط امنیتی اطلاعاتی حاکم می‌شود. به‌طور مثال رئیس‌جمهور آمریکا - کندی - در سال ۱۳۴۳ توسط سیا ترور شد اما امکان پیگیری آن وجود نداشت. چرا که وقتی سازمان‌های امنیتی نهادینه شوند، تغییر و تحول در آنها بسیار مشکل و حتی ناممکن است. در ایران نیز وزارت اطلاعات مدعی بود که وزرا و نمایندگان مجلس می‌آیند و می‌روند، اما تنها وزارتخانه‌ای که سالم و پابرجا می‌ماند، وزارت اطلاعات است، چرا که صلاحیت کاندیداهای مجلس شورای اسلامی، خبرگان، روسای جمهور، تأسیس حزب و به راه انداختن نشریات، گزینش‌ها و حراست‌ها همه و همه با این وزارتخانه است و چنین تلقی می‌شد که کاری بدون اجازه این وزارتخانه انجام نمی‌شود.

در درون چنین وزارتخانه‌ای و علی‌رغم قانون دموکراتیک این وزارتخانه که هدفش برقراری امنیت بود، شبکه ناامن‌کننده‌ای به وجود آمد که قتل‌های زنجیره‌ای را انجام می‌داد. فساد در سیستم تشخیص صلاحیت‌های ملی و برون مرزی یادآور این ضرب‌المثل است که هر چه به گندد نمکش می‌زنند وای به روزی که بگندد نمک. به نظر می‌رسد ملی کردن وزارت اطلاعات و رهاشدن از دست انحصارات اطلاعاتی و

